

نقد و بررسی کتاب: شیعیان
عربستان سعودی

نقد و بررسی کتاب: شیعیان عربستان سعودی

کتاب (شیعیان عربستان سعودی) نوشته «فواد ابراهیم» در مورد شیعیان شرق عربستان و وضعیت اجتماعی سیاسی آنها می‌باشد. کتاب «شیعیان عربستان سعودی» را در قالب هفت فصل تنظیم کرده و وعده داده «مانند محققان خارجی به توصیف کلیات بسنده نخواهد کرد و با کالبد شکافی جنبش شیعیان عربستان، به شرح شکل‌گیری و تحول گفتمان فکری-سیاسی آنها خواهد پرداخت.» در این کتاب به مباحثی همچون مبانی و اشکال غلبه و هابی‌های سنی بر شیعیان، مبانی هویت شیعیان در شرق عربستان، جنبش‌های اسلامی شیعی و تفاهم و تعامل شیعیان با حکومت سعودی پرداخته شده است. این مقاله گزارشی از کتاب مذکور می‌باشد.

مقدمه

«شیعیان عربستان سعودید بنا به سه دلیل اساسی از جایگاه مهمی برخوردارند؛ اولاً در منطقه‌ای نفت‌خیز سکونت و اشتغال دارند و میادین نفتی قوار [1] و قطیف در حوزه مناطق شیعه‌نشین قرار گرفته‌اند. گفتنی است که میدان قوار بیش از 60 میلیارد بشکه (تقریباً دو برابر کل ذخایر نفتی آمریکا) ذخیره قطعی نفت دارد و هزینه استخراج نفت از این منطقه کمتر از سه دلار است. ثانیاً مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی در امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر بسیار مهمی دارد و ثبات اقتصادی-سیاسی عربستان، خلیج (فارس) و جهان تا حدود چشمگیری بدین منطقه وابسته است. به این دلیل روشن که 90-95 درصد درآمد ارزی عربستان سعودی و 15 درصد نفت مصرفی جهان از این منطقه تأمین می‌شود. علاوه بر این، 40-60 درصد نیروی کار شاغل در صنعت نفت عربستان، شیعه هستند. ثالثاً منطقه شیعه‌نشین عربستان سعودی با کشورهای همجوار است که اکثریت جمعیت آنها شیعه‌اند. 65 درصد جمعیت بحرین، 90 درصد جمعیت ایران و 60 درصد جمعیت عراق شیعه هستند و این سه کشور با منطقه شیعه‌نشین همسایه می‌باشند. باید به این سه مورد، نگرش ویژه شیعیان به اصل حکومت را اضافه کرد که قابلیت سیاسی-مذهبی خاصی به آنها بخشیده است.» (ص 6)

«فواد ابراهیم» کتاب خود (شیعیان عربستان سعودی) را با عبارت اخیر آغاز می‌کند. در این عبارت، نویسنده نشان می‌دهد که از اطلاعات دقیق و فهم عمیقی برخوردار است. آشنایی فواد ابراهیم با زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی و نیز نقش مستقیم او در درگیری‌های اپوزیسیون شیعه با حکومت سعودی، پژوهش حاضر را از ارزش و روایی چشمگیری برخوردار ساخته است. ابراهیم در مقدمه کتاب خود تصریح می‌کند که:

«برای رفع خلاء موجود در زمینه مطالعات مربوط به شیعیان به پنج دسته منابع رجوع کرده‌ام؛ پیش از هرچیز به مطالعه متون داخلی جنبش یعنی نامه‌های خصوصی مبادله‌شده بین رهبران جنبش اصلاح پرداخته‌ام. علاوه بر آن، برای تکمیل پژوهش و تحکیم فرضیه‌های خودم با رهبران جنبش (اصلاح) مصاحبه و گفتگوی خصوصی انجام داده‌ام. ثالثاً کتاب‌های منتشر شده در مورد جنبش‌های شیعه را مطالعه کرده‌ام. رابعاً عضویت در کمیته مرکزی جنبش اصلاح، امکانات

زیادی فراهم آورد تا با مسایل شیعیان آشنا شوم. بالاخره مقالات علمی محققان مسایل شیعه (های منطقه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی) را بررسی و از حاصل آنها کتاب حاضر را تهیه کرده‌ام.» (ص 7)

فواد ابراهیم با این سابقه و تجربه، کتاب «شیعیان عربستان سعودی» را در قالب هفت فصل تنظیم کرده و وعده داده «مانند محققان خارجی به توصیف کلیات بسنده نخواهد کرد و با کالبد شکافی جنبش شیعیان عربستان، به شرح شکل‌گیری و تحول گفتمان فکری-سیاسی آنها خواهد پرداخت.» (ص 8) مقطع زمانی پژوهش ابراهیم، سی سال اخیر یعنی از سال 1975 (شکل‌گیری سازمان انقلاب اسلامی یا جنبش اصلاح) تا سال 2005 بوده است. به عقیده ابراهیم، جنبش اصلاح در سال 1975 شکل گرفت، در دهه 1980 به اوج رسید و پس از جنگ خلیج فارس، میانه‌ور شده است. ریشه‌های این تحول و دستاوردهای آن، موضوعی است که در هفت فصل کتاب به تفصیل آمده است. آنچه در پی می‌خوانید، چکیده یافته‌های فواد ابراهیم و نیز سنجش صحت و استحکام داده‌ها و فرضیه‌های نویسنده کتاب است.

1. ایدئولوژی تغلب [2]

فواد ابراهیم اولین فصل کتاب را «ایدئولوژی تغلب» نام نهاده و به شرح مبانی و اشکال غلبه و هابی‌های سنی بر شیعیان پرداخته است. نویسنده به منظور شرح بهتر ماجرا، ابتدا ظرفیت طبیعی و انسانی شیعیان و مناطق شیعه‌نشین عربستان را توضیح می‌دهد تا خواننده را بدین نتیجه برساند که شیعیان روی گنج و ثروت نشسته‌اند؛ اما در چنبره رنج و محنت گرفتارند و دلیل این وضع ناموزون، چیزی نیست جز عقاید و هابی‌ها در مورد شیعیان.

از نگاه فواد ابراهیم، شیعیان ساکن الاحساء و قطیف، جمعیت قابل توجهی دارند. وی با استناد به منابع مختلف، مغرضانه‌ترین منابع را مرجع قرار داده و خاطر نشان می‌سازد که از جمعیت 19 میلیون عربستان سعودی، حدود یک میلیون نفر شیعه (اثنی عشری، زیدی و اسماعیلی) هستند که این تعداد بیش از جمعیت شیعی کشورهای کویت، قطر، یمن، امارات متحده عربی و عمان می‌باشد. جمعیت شیعه عربستان از نظر تعداد، پس از عراق و لبنان و بحرین قرار دارد؛ اما سکونت آنان در منطقه‌ای استراتژیک، مقام ممتازی به شیعیان و مبارزات آنها داده است. علاوه بر جمعیت، مداومت مبارزه شیعیان عربستان علیه حکومت ریاض، دومین نکته‌ای است که حرکت‌های شیعی در منطقه را مهم و تعیین‌کننده ساخته است. در کنار آن دو، نویسنده به جایگاه اقتصادی و نیز ایدئولوژی پویای شیعیان نیز می‌پردازد و از پتانسیل‌های دینی-مذهبی شیعیان در تعارض با وهابی‌ها سخن می‌گوید. ص 18

فواد ابراهیم با استناد به یافته‌های برخی استادان روابط بین‌الملل (از جمله آنگلو کودویلا [3] از دانشگاه بوستون)، خاطر نشان می‌سازد که بخش اعظم ستم‌های اعمال شده بر شیعیان، ریشه در جهان‌بینی وهابی‌ها دارد که معمولاً به اختلافات درون دینی حساسیت بیشتری دارند و شیعیان را از صهیونیست‌ها خطرناکتر می‌شمارند. به عقیده کودویلا، وهابی‌ها درصد احیای قواعد و هنجارهای امت اسلامی [4] هستند، تمام مسلمانان غیر وهابی را کافر می‌شمارند، همه مناسبات و نهادهای جدید را نوعی شرک می‌بینند و برای طرد مخالفین خود، به اصل تکفیر متوسل می‌شوند. به عقیده علی الوردی [5]، اصل تکفیر هرچند نقطه ضعف رهایی‌هاست؛ اما آنان این اصل را به عنوان منشاء مشروعیت خود انتخاب و از آن برای غلبه بر غیر وهابی‌ها-از جمله شیعیان-استفاده می‌کنند. ص 20

شیوه نگرش وهابی به شیعیان و مذهب شیعه، بخش مهمی از فصل اول کتاب را به خود اختصاص داده است. نویسنده در خلال این مبحث، به مرور تاریخ اختلافات وهابی‌ها- شیعیان، از

سال 1744 به بعد، می‌پردازد. ابراهیم با استناد به آثار مورخان (از جمله مورخ مشهور سعودی به نام ابن بشیر)، به تفصیل حملات خونین وهابی‌ها علیه شیعیان را شرح داده و جزئیات پذیرش سلطه سعودی‌ها از سوی شیعیان قطیف را توضیح می‌دهد.

واپسین بحث فصل اول کتاب، تشریح سه نوع تبعیض مذهبی، اقتصادی و سیاسی است که به عقیده نویسنده از سوی حکومت سعودی و وهابی‌ها علیه شیعیان اعمال می‌شده و هنوز هم ادامه دارد. برجسته‌ترین تبعیضی که مایه اختلاف شده و طرفین را رودروی هم قرار داده، تبعیض مذهبی است. در این زمینه، فواد ابراهیم تصریح می‌کند که نظام سیاسی و علمای مذهبی عربستان حاضر نیستند اصل تنوع مذهبی را به رسمیت بشناسند. آنها شیعیان را به عنوان شهروندان درجه دو [6] می‌بینند و عقاید شیعیان-از جمله شفاعت [7] و توسل [8]- را خرافه می‌شمارند. در نتیجه، شیعیان در ساختن بناهای مذهبی-مانند حسینیه-پوشیدن لباس خاص، به زبان آوردن پاره‌ای عبادات و اوراد و برگزاری مراسم مذهبی، دچار محدودیت‌هایی هستند.

تبعیض علیه شیعیان به طرد مذهبی آنها محدود نمی‌شود. به شهادت فواد ابراهیم، شیعیان با وجود برخورداری از انرژی و استعداد فراوان، محرومترین گروه در عربستان هستند. به گفته رابرت لاسی [9]، اگر استان شرقی تحت حاکمیت حکام سعودی نبود، غنی‌ترین کشور حوزه خلیج فارس می‌شد و از همه کشورهای منطقه ثروتمندتر بود. با این وجود، به گزارش کمیته بین‌المللی حقوق بشر در سال 1996: «استان شرقی یکی از محرومترین مناطق عربستان است، دولت در مقایسه با سایر مناطق، در استان شرقی بسیار کند عمل کرده و در بخش‌های آموزش، پزشکی و راه‌سازی، سرمایه‌گذاری مناسبی نمی‌کند. اولین بیمارستان مدرن قطیف در سال 1987 بنا شد. (ص 35)» با این توصیف، موضوع فقط این نیست که شیعیان رافضی شمرده می‌شوند و مطابق فتوای علمای وهابی، گوشت ذبح شده توسط شیعیان حرام عنوان می‌شود یا ازدواج با شیعیان، کفر به شمار می‌آید. در کنار این نگرش‌ها، دولت عملاً مناطق شیعه‌نشین را در فقر و محرومیت نگه داشته است.

تبعیض سیاسی علیه شیعیان، سومین نوع تبعیضی است که در فصل اول کتاب مورد توجه قرار گرفته است. به نوشته ابراهیم، شیعیان از تصدی مشاغل متوسط و عالی محرومند و نیروهای انتظامی، امنیتی و پلیس تماماً در اختیار سنی‌هاست. (ص 41) حتی در استان شرقی یا شرقی هم، شیعیان به مشاغل مهم گمارده نمی‌شوند. مدیریت دانشگاه‌ها، سفارتخانه‌ها و نهادهای مهم، همگی در اختیار سنی‌هاست. به گفته نویسنده (همان)، شیعیان در استان الاحساء حتی از تصدی معاونت مدرسه ابتدایی هم محرومند. یگانه شرط ارتقا در چنین فضایی، وفاداری به حکومت سعودی است. مهم‌ترین وجه مشترک علمای وهابی و حکومت سعودی این است که شیعیان را غیر یا دگر خود می‌شمارند و هرگونه تلاش و تحرک آنها را نوعی توطئه و تمرد به حساب می‌آورند. نتیجه‌گیری نویسنده در فصل اول، این است که شیعیان به واسطه تبعیض‌های سه‌گانه مذهبی، اقتصادی و سیاسی، اپوزیسیون حکومت شده‌اند و همه حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های حکومت را سیاسی می‌بینند و درصدد بوده‌اند نارضایتی خود را به وضع حاکم ابراز نمایند. البته نویسنده کتاب به بعضی موارد خاص (مثلاً شیعه‌بودن سفیر عربستان در ایران در اوایل دهه 1380) اشاره نمی‌کند.

یکی از نکات ظریفی که نویسنده بدان اشاره می‌کند، تبعیض مضاعف علیه شیعیان در عربستان است. در عین حال، این ابهام مطرح است که آیا شیعیان، اکثریت جمعیت در استان‌هایی چون شرقی را تشکیل می‌دهند؟ به نوشته ابراهیم، 33 درصد از جمعیت استان شرقی، شیعه و بقیه سنی هستند. در این حالت، آیا باز هم می‌توان از تبعیض حساب شده علیه شیعیان سخن

گفت؟ البته این ابهام نافى نگرش بسیار پردکننده وهابى‌ها به شیعیان نیست؛ اما در مواردی که ترکیب جمعیتی به نفع شیعیان نیست، آیا باز هم می‌توان از تبعیض اقتصادی علیه شیعیان دفاع کرد؟ بهتر بود نویسنده تصریح می‌کرد که در استان الشرقی، شیعیان در مناطق خاصی (مثلاً گنوها یا محله‌های اقلیت‌نشین) سکونت دارند و بخش مهمی از تبعیض‌ها معطوف به این مناطق است نه کل استان الشرقی که بیش از 60 درصد جمعیت آن را غیر شیعیان تشکیل می‌دهند. مطالعه فصل دوم کتاب که به هویت شیعیان استان الشرقی اختصاص دارد، این ابهام را تا حدودی روشن می‌سازد.

2. مبانی هویت شیعیان در استان الشرقی

سؤال اساس فصل دوم این است که شیعیان آگاهی جمعی خود را چگونه توسعه می‌دهند یا حفظ می‌کنند؟ نویسنده برای یافتن پاسخ به این پرسش، از چندگانگی منابع هویت در عربستان بحث می‌کند و تصریح می‌نماید که علایق منطقه‌ای (مانند نجدی، حجازی، شرقی و عصری بودن)، مذهبی (مانند شیعه، سنی، وهابى، اسماعیلی، مالکی، شافعی و جعفری بودن) و تعلقات قبیله‌ای (مانند تعلق به قبیله قهید، شمر، قحطان و مانند آن)، هویت ملی در عربستان را به امری موهوم تبدیل نموده و شهروندان عربستانی ترجیح می‌دهند خود را نه براساس ملیت بلکه براسا تعلقات مذهبی و عشیره‌ای معرفی کنند.

به عقیده فواد ابراهیم، هویت ملی در عربستان سعودی با سه مانع زیر مواجه است:

-فرقه‌گرایی وهابى‌ها

-اقتدارگرایی سعودی‌ها

-سرزمین‌گرایی، نجدی‌ها

سه مانع مذکور (ص 67)، سبب شده‌اند تا شخصیت‌ها (ی قبیله‌ای، حکومتی) و مذاهب، جایگزین ملیت [10] بشوند. نویسنده پس از تمهیدات نظری مرتبط (مانند ماهیت ازلی هویت و شیوه‌های انکار و دست‌کاری هویت)، به پاسخ پرسش اولیه فصل دوم می‌رسد و خاطر نشان می‌سازد که شیعیان، آگاهی جمعی خود را از طریق مراسم و مناسک و نمادهای جمعی مانند عزاداری‌ها، برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی، پرداخت نذورات و خمس و زکات، پوشیدن لباس‌های خاص در ایام عزاداری و شادی و نیز با تجمع در حسینیه‌ها، ارتقا بخشیده و نظام معنایی [11] خود را پاسداری می‌کنند. نویسنده کتاب، عوامل دیگری چون نقش علما، رسوم، روابط خانوادگی، نمازهای یومیه و مراسم مذهبی را از جمله نگهبانان آگاهی جمعی شیعیان برشمرده و از دوگانگی هویت (مذهبی-ملی) 2 نزد شیعیان سخن به میان می‌آورد. (ص 55)

نکته کلیدی دیگر در فصل دوم، نگرش علمای وهابى نسبت به مسأله هویت ملی و ناسیونالیسم است. براساس توضیح نویسنده کتاب، وهابى‌ها ناسیونالیسم را همان قومیت و عصیت متداول در جامعه جاهلی برشمرده و آن را محکوم می‌نمایند. از دید وهابى‌ها، اگر ناسیونالیسم به معنای عصیت است، یادگار دوران جاهلی بوده و محکوم است و اگر ناسیونالیسم به معنای وطن‌دوستی و میهن‌دوستی است، این امر به دولت مربوط است و نه به ملت. (ص 67)

نویسنده با وجود وعده اکید خود، ممیزات هویتی شیعیان را تحلیل ننموده و به صورت گذرا از شاخص‌های هویتی شیعیان عبور کرده است. بهتر بود فواد ابراهیم وزن مؤلفه‌های هویتی شیعیان را بیان می‌کرد. برای خواننده کتاب این ابهام مطرح می‌شود که آیا نمازهای یومیه به عنوان یکی از شیوه‌های بروز آگاهی جمعی شیعیان، هم‌وزن عزاداری عاشورا یا بزرگداشت نیمه شعبان و عید غدیر است؟ شاید بتوان مهمترین نقطه قوت فصل دوم را استناد نویسنده به

متونی از آر. ویلسون، مک گوری، سی. فوید، ارنست گلنر و والکر کونور دانست که در عداد شاخص‌ترین نویسندگان و محققان موضوع ناسیونالیسم هستند.

3. ظهور جنبش اسلامی شیعه

تا ابتدای فصل سوم، خواننده کتاب فواد ابراهیم بدین نتیجه رسیده که شیعیان عربستان سعودی طی 250 سال اخیر همواره مورد طعن و تبعیض بوده‌اند. پاسخ شیعیان بدین چالش، خیزشی است که از سال 1968 آغاز گردید و در سال 1979 یعنی همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران به اوج خود رسید. با این توضیح، فواد ابراهیم در فصل سوم به تشریح زمینه‌های فکری خیزش 1979 می‌پردازد. او برای این منظور، دهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی را بازخوانی کرده است. طی دهه قبل از انقلاب اسلامی، جنبشی به نام «حرکت الرسالین الطلع» در سال 1968 بنیان نهاده شد. این جنبش با حمایت آیت‌ا... سید محمد مهدی شیرازی (1928-2002)، مرجع تقلید میلیون‌ها شیعه عراق، بحرین، ایران و لبنان تأسیس گردید.

اندیشه سید محمد مهدی شیرازی در باب اسلام و جامعه مسلمانان، به قدری رونق و گسترش یافت که پس از مدتی به مکتب شیرازی ملقب شد. مکتب شیرازی حاوی قرائت خاصی از اسلام و تشیع بود که در قالب آن، اسلام به زندگی عمومی مسلمانان باز می‌گشت و اصطلاحاتی مانند آزادی بیان، تکثر سیاسی، تمدن اسلامی و امت مؤمن به احکام اسلامی، محترم شمرده می‌شدند. اندیشه شیرازی به سرعت و سهولت در حرکت الرسالین الطلع نفوذ یافت و پیشگامان جنبش مذکور از طریق بازآفرینی سنت شیعی [12]، قد علم کردند. به نوشته فواد ابراهیم، حرکت الرسالین الطلع به شدت متأثر از اندیشه‌های سید قطب بود. سید قطب و حرکت الرسالین الطلع، هر دو از بازگشت جوامع اسلامی به جاهلیت انتقاد می‌کردند و خواهان آن بودند که جامعه مسلمین دوباره به دوران طلایی اسلام بازگردد و احکام و مناسک اسلامی احیا شود. (ص 90) آنها حکومت‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی را مشرک نامیده و درصد اصلاح و هدایت آن بودند.

فواد ابراهیم، معتقد است که احیای شیعیان و رونق فعالیت‌های فکری-سیاسی آنها، متأثر از اندیشه‌های روشنفکران غیر روحانی مانند جلال آل احمد و علی شریعتی بود. ابراهیم با اشاره به مفاهیمی چون بازگشت به خویشتن، از خودبیگانگی و غربزدگی، تصریح می‌کند که اندیشمندان ایرانی، سهم و نقش بسیار مهمی در احیای حرکت شیعیان داشتند. ابراهیم بدون اشاره به شیوه تأثیرگذاری اندیشه‌های آل احمد و شریعتی بر حرکت الرسالین الطلع، به تعبیر انقلابی آن دو اندیشمند ایرانی از اسلام و تشیع می‌پردازد. از نگاه وی، حرکت الرسالین الطلع برای اولین بار در طول تاریخ اسلام، اسلام شیعی سنتی را نقد کرد و برداشت شریعتی از مفاهیم انتظار، تقیه، عاشورا و عصر غیبت را مورد توجه قرار داد. به باور ابراهیم، ایدئولوژی حرکت الرسالین الطلع، همان ولایت فقیه است که شرط کلیدی آن زعامت فقها [13] می‌باشد. حاصل سخن فواد ابراهیم در فصل سوم این است که رونق مکتب شیرازی، توسعه فعالیت‌های حرکت الرسالین الطلع (مانند آموزش نظامی، برگزاری برنامه‌های مذهبی، حمایت مالی، تأسیس روزنامه و مجله و مراکز تبلیغ اسلامی و مواردی از این قبیل) و تعبیر انقلابی اندیشمندان غیر روحانی ایرانی از تعالیم شیعی، سبب بروز دهه‌ای انقلابی شد. یعنی از سال 1979 تا 1989 شاهد ظهور دهه‌ای انقلابی هستیم که معلول و محصول فعالیت‌های فکری اندیشمندان دهه 1970 است.

4. دهه انقلابی (1979-1989)

دهه انقلابی شیعیان در منطقه خلیج فارس از سال 1979 آغاز می‌شود؛ سالی که طی آن،

انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و نخستین دولت اسلامی شیعی در قرن بیستم، تأسیس شد. علاوه بر این، گروهی در سال 1979، مسجد الحرام را اشغال کردند و طی آن مطالبات انباشته خود علیه حکومت سعودی را ابراز نمودند. این دو رویداد مهم، آغازگر سلسله حرکت‌ها و اقداماتی بود که افراد ابراهیم آن را در فصل چهارم و زیر عنوان دهه انقلابی توضیح داده است.

به عقیده ابراهیم، دلایل خیزش انقلابی شیعیان طی دهه 1980 در عربستان بدین قرار بود: تبعیض‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، انکار هویت شیعیان و فتوای علمای وهابی بر ضرورت بازگشت شیعیان به اسلام راستین، بی‌نتیجه بودن استراتژی قانونی (مکاتبه نجبا و خانواده‌های سرشناس با حکام سعودی)، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و فروپاشی رژیم پادشاهی پهلوی و بی‌ثمرماندن حمایت آمریکا از آن رژیم و بالاخره مدرنیزاسیون (شهرنشینی و توسعه اقتصادی و افزایش سطح سواد و ارتباطات).

در نتیجه این عوامل، شیعیان ناراضی در قالب «سازمان انقلاب اسلامی» [14] گرد آمده و به تلاش‌های زیر مبادرت ورزیدند.

-ارتقاء آگاهی مذهبی شیعیان.

-جذب کمک‌های مالی داخلی و خارجی.

-عضوگیری، آموزش و سازماندهی نیروهای جدید.

-احیای هویت شیعی از طریق برگزاری برنامه‌های مذهبی-فرهنگی.

در تحلیل ابراهیم از ماهیت و جهت‌گیری سازمان انقلاب اسلامی، یک نکته اهمیت کلیدی دارد و آن عبارت است از استفاده انقلابیون و ضد انقلابیون از شعار و منبع مشترک. بدین ترتیب که هم شیعیان و هم سعودی‌ها وهابی‌ها، همگی از ضرورت هدایت طرف مقابل سخن می‌گفتند و در این راستا به تاریخ گذشته رجوع می‌کردند.

نتیجه راهبردی حرکت انقلابی شیعیان عربستان، ابراز خصومت سعودی‌ها با انقلاب نوپای اسلامی در ایران بود؛ اما فواد ابراهیم وابستگی شیعیان عربستان به ایران را انکار می‌کند و معتقد است که شیعیان عربستان، بافت جغرافیایی-سیاسی و فرهنگی خاصی دارند و نمی‌توان آنها را ستون پنجم تهران خواند. در عبارتی کلی، می‌توان گفت که ابراهیم طی فصل چهارم به تبیین ایدئولوژی، استراتژی (قانونی و فراقانونی)، دیدگاهها و فعالیت‌های سازمان انقلاب اسلامی پرداخته و خاطر نشان می‌سازد که شیعیان در پاسخ به تبعیض‌های تاریخی، در دهه 1980 کوشیدند با توسل به ابزارهای قانونی و فراقانونی [15]، رویکردی انقلابی پیشه کنند. در نتیجه این رویکرد شیعیان، شیعه محافظه‌کار سنتی در معرض چالش قرار گرفت، مطالبات شیعیان آشکارا صیغه سیاسی یافت، دولت‌های منطقه، شیعیان را در محاسبات خود وارد نمود و مهمتر از همه، همگرایی و اشتراک نظر بین شیعیان گسترش یافت. (ص 139)

5. حرکت از رویکرد انقلابی به رویکرد اصلاحی (1989-1993)

طی دهه انقلابی (1979-1989)، هم سختگیری حکام سعودی بر شیعیان افزایش یافت و هم حکومت سعودی به عنوان حکومتی نابردبار مشهور شد. پس از ده سال تندروی و چالش خشونت‌آمیز، رهبران سازمان انقلاب اسلامی بر آن شدند تا باب مذاکره و معامله با ملک فهد را باز کنند. فهد هم بی‌میل نبود تا با جلب رضایت شیعیان، در عرصه بین‌المللی تصویری تازه از اقتدارگرایی سعودی‌ها ارائه کند. در این شرایط، شیعیان بر آن شدند تا:

-وضع موجود یعنی مشروعیت سعودی‌ها در حکومت بر عربستان را بپذیرند.

-رویکردی معتدل و مدرن (تأکید بر حقوق بشر، آزادی اطلاعات و استفاده از سازمان‌های بشر

دوستانه و بین‌المللی، تمرکز بر مطالبات اقتصادی) اتخاذ کنند.

- از ابزارهای نظامی دوری جسسته و با هدف جلب تحمل و مدارای سعودی‌ها، از الگوی مشارکت پیروی کنند (صدور بیانیه در حمایت از تمامیت ارضی عربستان در قبال حملات صدام حسین در سال 1990 در همین راستا بود).

- به جای تأکید بر مضامین انقلابی و تجدیدنظر طلبانه شیعه، بر وجوه معتدل و مسالمت‌جویانه آن تمرکز نمایند.

- در کنار احترام به مرجعیت علما، از دیدگاه‌های سایر گروه‌های سنی و لیبرال هم بهره بگیرند. (ص 153)

- به جای نخبه‌سالاری، سازمان انقلاب اسلامی تلاش کرد تا کانال‌های ارتباطی خود با نیروهای اجتماعی را توسعه دهد. (ص 142)

این تغییر رویکرد، البته حاصل فرونشستن تنش‌های ایدئولوژیک در دنیا هم بود. وقوع انقلاب‌های آرام در کشورهای اروپای شرقی، پایان جنگ ایران-عراق و اتخاذ رویکردهای پراگماتیستی از سوی دولت آقای رفسنجانی و بالاخره دستاوردهای قلیل ده سال جنگ و تنش، از جمله دلایل اتخاذ رویکرد اصلاحی در سال 1989 بود. ملک فهد در قبال تغییر سیاست شیعیان، موضع مثبت و معتدلی اتخاذ نمود. این رفتار وی ناشی از تغییر شرایط بین‌المللی و منطقه بود. با وقوع جنگ 1990 و 1991، توجه رسانه‌های بین‌المللی به منطقه خلیج فارس و بحران آتی آن معطوف شد و شیعیان، از این فرصت رسانه‌ای به بهترین نحو ممکن استفاده کردند. فعالان حقوق بشر ضمن انتشار گزارش، در خصوص وضع شیعیان، پادشاهی سعودی را با امپراطوری شوروی مقایسه کردند که پس از هفتاد سال، عاقبت نتوانست اقلیت‌ها را یکدست کند و فرو پاشید. شکل‌گیری و تبلیغ این گفتمان برای فهد بسیار گران بود. به همین خاطر شکایت‌نامه‌ها و توصیه‌های فعالان شیعه از سوی ملک فهد بایگانی نشد و به موضوعات مذاکره دولت با اقلیت شیعه راه یافت. نرمش‌های مذکور، زمینه را برای همسویی و توافق بین اپوزیسیون شیعه و حکومت سعودی فراهم ساخت. این همسویی از سال 1993 یعنی پس از عقب راندن نیروهای عراقی از کویت توسط متحدین آغاز گردید. فرایند، دلایل و نتایج این همسویی، موضوع فصل ششم و یکی از غنی‌ترین مباحث کتاب است که در ادامه می‌خوانید.

6. تفاهم بی‌سابقه

از نگاه فواد ابراهیم، در سپتامبر 1993، اتفاقی بی‌نظیر در عربستان سعودی رخ داد و آن این بود که حکام سعودی و علمای وهابی، گفتگو با شیعیان را پذیرفتند. این تغییر رفتار با شیعیان که به مدت 15 سال در حال جنگ و گریز با سعودی‌ها بودند و وهابی‌ها آنها را تکفیر کرده بودند، اهمیت بسیار داشت. در پناه این گفتگوها، مسافرت شیعیان به خارج از کشور آزاد شد، صدور گذرنامه برای آنها آغاز گردید، بسیاری از زندانیان و تبعیدی‌های شیعه به موطن خود بازگشتند و به طور کلی فضایی از همسویی و تفاهم بین جنبش شیعیان به ویژه حرکت اصلاح و حکومت سعودی آغاز شد.

فواد ابراهیم دلایل گرایش شیعیان به تفاهم را در قالب موارد زیر تحلیل کرده است:

یک. وقوع اختلاف نظر بین اعضای خاندان سلطنتی در خصوص برخورد با شیعیان.

دو. اوضاع بحرانی اقتصاد عربستان سعودی در پی جنگ 1991 خلیج فارس.

سه. رونق روابط ایران-عربستان سعودی و درخواست عربستان از ایران برای دوری از حمایت شیعیان منطقه.

چهار. افزایش فشار فعالان حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی برای آغاز گفتگو و طرح

مطالبات طرفین و ترک رفتارهای خشونت‌آمیز.

پنج. دگرگونی ایدئولوژیک جنبش اصلاح و اجماع رهبران جنبش برای مذاکره با حکومت مرکزی. به عقیده بندر بن سلطان، سفیر کهنه‌کار عربستان در آمریکا طی دهه‌های هشتاد و نود میلادی، مهمترین دلیل در تغییر رفتار متقابل شیعیان-حکومت سعودی، منفعت بود. بر این اساس، رهبران جنبش اصلاح بدین نتیجه رسیدند که اهداف آنها از طریق مذاکره زودتر بدست می‌آید تا از طریق جنگ مسلحانه یا مخاصمه سیاسی. (ص 183)

پس از آغاز مذاکره، شیعیان به صورت رسمی و علنی‌تری به طرح مطالبات خود پرداختند. مطالبات شیعیان در دو مورد زیر خلاصه می‌شد:

- رعایت حقوق مذهبی جلوگیری از رافضی یا کافر خواندن آنها از سوی علمای وهابی.

- رعایت اصل برابری در توزیع فرصت‌های شغلی، خدمات رفاهی و آموزش و اقتصادی.

ابراهیم پس از تشریح مفصل این مطالبات، عنوان می‌دارد که به نتیجه رسیدن این مطالبات اهمیت چندانی نداشت. مهم این بود که بالاخره سعودی‌ها، شیعیان و جنبش اصلاح را به عنوان موجودیتی سیاسی پذیرفته و با آنها بر سر میز مذاکره نشستند. (ص 185)

پس از آغاز این مذاکرات، دولت سعودی در مقابل علمای نئوسلفی قرار گرفت که همچنان شیعیان را مستحق کشتار و طرد و تکفیر می‌دانستند. انتظار حکام سعودی این بود که علمای رادیکال وهابی، دیدگاه‌های تند خود در خصوص شیعیان را تعدیل کنند و در عوض، شیعیان نیز از رفتارهای تحریک‌آمیز خود (مانند فعالیت در مجامع و شهرهای اروپایی، راه‌اندازی نشریات بین المللی علیه سعودی‌ها، شکایت به مجامع حقوق بشر بین المللی و فعالیت زیرزمینی در مناطق نفت‌خیز) دست بردارند. ملک فهد برای توجیه نرمش ریاض در قبال شیعیان، مذاکره و تفاهم سال 1993 را نوعی عفو عمومی معرفی می‌کرد و شیعیان نیز ترک مخاصمه با سعودی‌ها را نوعی عقلانیت و درک منطق حاکم بر نظام بین الملل می‌شمردند. با وجود همه این توجیه‌ها، مذاکره و توافق بزرگ در سال 1993 صورت پذیرفت و جنبش اصلاحی شیعیان به بیست سال فعالیت انقلابی خود خاتمه داد.

7. تعامل شیعیان-حکومت سعودی (1993-2005)

طی نیم قرن اخیر، حکومت سعودی با اپوزیسیون‌های مختلفی مواجه بوده است. ناسیونالیست‌ها، سکولارها و چپ‌ها، از جمله مخالفان سیاسی آل سعود بوده‌اند. در عین حال، حکومت مرکزی در مقابل هیچ یک از آنها نرمش نشان نداده و همگی را طرد، تکفیر، تحریم و سرکوب نموده است. در مقایسه با آن گروه‌ها، شیعیان دستاوردهای بزرگی داشته‌اند؛ به طوری که سازش و مذاکره با شیعیان، آل سعود را با معضلات بسیار دشواری مواجه ساخته است. فواد ابراهیم در واپسین فصل کتابش، آن معضلات را بدین شرح برشمرده است: (ص 210)

- اختلاف در میان هیأت حاکمه درباره شیوه برخورد با شیعیان.

- نارضایتی طیف رادیکال وهابی‌ها در خصوص مذاکره دوستانه با شیعیان.

- احیای موقعیت شیعیان در عربستان سعودی و کشورهای عرب خلیج فارس.

- احتمال بین‌المللی شدن اختلاف شیعیان با خاندان و حکومت سعودی.

مذاکره و تفاهم، فقط آل سعود را آزار نمی‌داد. رهبران جنبش اصلاح نیز باید برای پیروان خود توضیح می‌دادند که چرا با سعودی‌ها (آن خصم دیروز) مذاکره و تفاهم کردند. ابراهیم توضیح داده است که رهبران جنبش با تشکیل جلسه‌های خیابانی و تجمع‌های مختلف سیاسی، به پیروان خود توضیح داده‌اند که ادامه راه گذشته، آینده را خراب می‌کند و تحولات منقطه‌ای و بین‌المللی، فرصت‌هایی را ایجاد نموده که لازم است استفاده شوند.

براساس توضیحات فواد ابراهیم، از سپتامبر 1993 تا سال 2005، شیعیان سه مرحله متمایز را پشت سر نهاده‌اند:

مرحله اول؛ این مرحله از سال 1993 تا 1995 تداوم دارد که طی آن جنبش اصلاح اعضای خود را از اروپا و آمریکا فراخوانده ولی نمی‌داند که چه سیاستی را در پیش بگیرد.

مرحله دوم؛ این مرحله از سال 1995 تا سال 1997 طول می‌کشد و به دوره سازماندهی و آماده‌سازی مشهور است. طی این دوره، رهبران جنبش اصلاح باب مراوده با خاندان سلطنتی را باز کرده و از بین انبوه شاهزادگان، متحدانی برای خود برمی‌گزینند. (ص 213)

مرحله سوم؛ از سال 1998 تا جنگ آمریکا-عراق در سال 2003 و سرنگونی صدام ادامه دارد. در این مرحله، شیعیان با طیف میانه‌روی وهابی‌ها و سلفی‌ها رابطه برقرار کرده و ضمن پذیرش قاعده بازی، بر ضرورت احقاق مطالبات خود تأکید می‌ورزند. در پرتو این دیدارها و توافق‌ها، شیعیان موفق می‌شوند مساجد جدیدی بنا کنند، در برگزاری مراسم مذهبی خود تا حدودی آزاد می‌شوند و سطح زندگی خود را تا حدودی ارتقا می‌دهند. این سازش به مرحله‌ای می‌رسد که بعضی رهبران جنبش اصلاح در نشریات سنی‌ها (مانند عکاذا) مقاله می‌نویسند و در نوشته‌های خود به نفع دولت عربستان در قبال خارجی‌ها (پی که علاقمند به جدایی مناطق شیعه‌نشین از سعودی‌ها هستند) موضع‌گیری می‌کنند.

پس از سال 2003، شیعیان عربستان سعودی از موقعیت بهتری برخوردار شدند. دسترسی ارزان و آسان به ابزارهای اطلاع‌رسانی و نیز سیل انتقاد جهانی از شیوه مملکت‌داری سعودی‌ها، شیعیان را کمک نمود تا مطالبات خود را عزم و گستردگی بیشتری اعلام دارند. البته شیعیان در این موقعیت نیز بر وفاداری خود به حکومت سعودی تأکید کرده و بر عهد خود به رعایت قواعد بازی وفادار ماندند. در سال 2004 و در اوج اعمال فشار جهانی علیه سعودی‌ها، 450 تن از نخبگان و افراد سرشناس شیعه، طی نامه‌ای به ملک عبدالله، تجدید میثاق و بیعت کردند. (ص 216) در پرتو این تعامل دو جانبه، شیعیان به تنوع فعالیت‌های خود افزودند، رفته رفته با صراحت و رسمیت بیشتری ابراز وجود کردند و همایش‌های متعددی در زمینه توسعه حقوق شیعیان برگزار گردید (ص 217). در نتیجه، شیعیان به عنوان گروهی معترض ولی مشروع و محق پذیرفته شدند و دولت نوپای ملک عبدالله گرفتارتر از آن بود که به کنترل و سرکوب آنها بپردازد. وهابی‌ها نیز به خاطر پرورش افرادی چون بن‌لادن، زیر فشار افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی قرار داشتند. این موارد، زمینه را برای سازماندهی نیروهای شیعی و فعالیت‌های منظم آنها مهیا می‌ساخت.

یکی از جذاب‌ترین مباحث ابراهیم در فصل هفتم، شرح اصلاحاتی است که شیعیان در افکار سیاسی-مذهبی خود به عمل آوردند. (ص 218) به عقیده ابراهیم، رهبران جنبش اصلاح با ملاحظه اوضاع منطقه و جهان، بر ضرورت احیای نقش مذهب در عرصه عمومی تأکید ورزیدند، از منابع و سنت شیعی تفسیر جدیدی ارایه کردند، عاشورا را به طرز آشتی‌جویانه‌ای معرفی و امام حسین(ع) را نماد وحدت امت اسلامی و نه یک شخصیت انقلابی و تجدیدنظر طلب معرفی نمودند. در برگزاری مراسم محرم نیز بر مضامین اخلاقی-اجتماعی عاشورا تأکید شد. این تغییر جهت و سمت‌گیری‌ها نشان از یک دگرگونی عمده می‌داد و آن عبارت بود از حرکت شیعیان به سمت ادغام اجتماعی در عربستان سعودی.

شیعیان علاوه بر اصلاحات مذهبی، در زمینه تحرکات سیاسی نیز تحولاتی را پذیرا شدند. تأکید بر حقوق شهروندی، وحدت ملی و ضرورت همگرایی بین اقوام، از جمله مطالبی بود که شیعیان در اوایل قرن 21 مورد توجه قرار داده‌اند.

البته نباید فراموش کرد که تغییر مرام و سیاست‌ها به آسانی صورت نپذیرفت. نارضایتی طیف تندروی وهابی‌ها (از جمله امام جماعت مسجدالنبی که در سال 1998 و در حضور آقای هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور اسبق ایران، شیعیان را خطرناکتر از یهودیان و مسیحیان خواند)، مهمترین مانع توجه ملک عبدالله به اوضاع شیعیان بوده است. (ص 230) از جانب دولت نیز موانعی پیشروی سیاست آشتی وجود داشت که از جمله آنها می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی، ساختار رانتیز و تعدد منابع هویت در عربستان اشاره کرد. (ص 238)

فواد ابراهیم در فصل هفتم کتاب بدین نتیجه رسیده است که: تحولات تکنولوژیک و سیاسی جهان، نشان می‌دهند که عربستان سعودی کشور یکدستی نیست، بلکه مجموعه متنوعی است و گروه‌های مختلفی در آن زندگی می‌کنند. در صورت عدم پذیرش وحدت در عین کثرت، عربستان شاهد ناآرامی‌های متعددی خواهد بود. آینده دولت سعودی، موضوع در خور توجهی است و محققان و تحقیقات باید به جای توجه به گذشته عربستان، آینده آن را بررسی کنند. این ضرورت است و نه گزینه اختیاری. (ص 250)

فواد ابراهیم در تخمین چشم‌انداز آتی ثبات در عربستان سعودی، تصریح می‌کند که با وجود وعده ملک عبدالله برای دموکراتیک کردن عربستان طی دو دهه آینده (تا سال 2025)، به نظر نمی‌رسد وی در این فرصت اندکی که دارد، بتواند انبوه توقعات پدید آمده در نزد جوانان، زنان و اقلیت‌ها را برآورده سازد. به عقیده ابراهیم، «تجربه عربستان نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی همواره مانعی برای اصلاحات سیاسی بوده است. هرگاه دولت قوی شده، جامعه را ضعیف کرده و در واقع می‌توان گفت که رفاه اقتصادی همیشه مانعی برای اصلاحات سیاسی بوده است.» (ص 255)

به طور کلی اشراف فواد ابراهیم بر جزئیات فعالیت‌های شیعیان عربستان سعودی و نیز آگاهی او از چارچوب‌های نظری بحث حقوق اقلیت و مبحث هویت، اثر وی را به مجموعه‌ای خواندنی تبدیل کرده است. با وجود این محاسن، کتاب «شیعیان عربستان سعودی» در بعضی موارد بسیار توصیفی می‌شود، ملاک تفکیک فصول از همدیگر مشخص نیست و معلوم نیست که تفاوت واقعی فصل شش و هفت در چه چیزی است. نویسنده کتاب، با استناد به بیش از 1200 سند ویژه و منبع علمی معتبر، اثر ماندگاری در مورد شیعیان منطقه ارائه کرده است؛ اما خواننده کتاب با اشتیاق صفحات پایانی اثر را می‌کاود تا اوضاع کنونی و تمهیدات آتی شیعیان را دریابد که متأسفانه ابراهیم به آن نپرداخته و مسایل شیعیان طی پنج سال اخیر را بسیار به اجمال بیان داشته است. متخصصان علم سیاست و روابط بین‌الملل، با مطالعه کتاب شیعیان عربستان سعودی، چارچوب مفهومی و داده‌های بی‌نظیری در مورد فراز و فرود فعالیت‌های شیعیان در عربستان می‌یابند.

[1] . Ali Al . Islamic Umma[5] . Angelo codevilla[4] . Ideology of Conquest[3] . Ghavar[2] .
[6] vardi . Second Class Citizen[7] . Intercession[8] . Invocation[9] . Robert Lacy[10] .
[11] Nationhood . Meaning System[12] . Reinvention of Tradition[13] . Jurist
guardianship[14] . Islamic Revolution Organization(IRO)[15] . Ultralegal